

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

نامه به سردبیر روزنامه سلام در مورد مقاله
«انقلاب اسلامی و توطئه گروهکها، بازرگان و نهضت آزادی»

شماره: ۱۴۵۲

تاریخ: ۱۳۷۱/۵/۲۵

سردبیر محترم روزنامه سلام

با حمد خدا و سلام بر خودمان و بر بندگان صالح خدا

در شماره ۳۴۱ مورخ ۱۳۷۱/۵/۶ آن روزنامه به دنبال «خاطرات آیت‌الله خلخالی» شرحی درج شده بود تحت عنوان «انقلاب اسلامی و توطئه گروهکها، بازرگان و نهضت آزادی».

نظر به اینکه در آن نوشته یک سلسله اظهارات نادرست و اتهامات ناروا علیه نهضت آزادی ایران، دولت موقت جمهوری اسلامی ایران و سران و اعضای از آن دو نهاد وجود داشت که می‌تواند باعث گمراهی اذهان و زیان مردم و مملکت گردد، لازم آمد که آن مقاله بلاجواب گذارده نشود و برگه مخدوش و شبیه انگیزی در تاریخ انقلاب برای آیندگان باقی نماند.

بر طبق قوانین اساسی و مطبوعات و از دیدگاه حقیقت و انصاف، با توجه به حریمی که قرآن کریم و قانون اساسی جمهوری برای حیثیت و حقوق انسان و ایرانیان قائل شده‌اند، انتظار داریم دستور فرمائید جوابیه حاضر در اولین شماره آن جریده متقابلاً و متعادلاً درج گردد. باشد که شاهد حسن نیت و طرفداری آن روزنامه از قانون و آزادی گردد و سرمشق و مقدمه‌ای برای تودهنی به لجام گسیختگان هرزه درائی باشد که انقلاب و اسلام را در داخل و خارج منحرف و بدنام کرده‌اند.

انشاء الله اعلام جرمی هم علیه نویسنده مفتری به دادسرای عمومی داده خواهد شد.

آنچه ذیلاً ملاحظه می‌شود اشاره‌هایی فهرست‌وار به اظهارات و اتهامات درج شده می‌باشد تا هم

خوانندگان روزنامه سلام روشن شوند و هم سکوت ما دلیل بر صحت و رضا تلقی نگردد. توضیح و تعلیل‌های بیشتر را موکول به بعد از انتشار جوابیه و درخواست روزنامه یا مفتری می‌نمائیم.

البته این اولین بار نیست که مفتری معروف، بدون پروا از خدا و بدور از حیا در برابر حدود و حقوق خلق با کمترین قید و تعهد به اینکه سنجیده و صحیح حرف بزند یا از روی علم و یقین به اتکاء مدرک و دلیل نسبت‌هائی به اشخاص بدهد به ناسزاگوئی و پراکنده‌بافی می‌پردازد. کاری که از نظر شرع گناه بزرگ محسوب شده و از نظر قانون قابل تعقیب و کیفر می‌باشد.

همه می‌دانند که با کردارها و گفتارهای خود آبروریزیهای فراوان نه تنها از خویشستن کرده، که کارش به اعلام عدم صلاحیت از طرف مقامات رسمی کشیده شده بلکه به امام و انقلاب و به ایران و اسلام نیز صدمات غیرقابل جبران وارد ساخته است.

هم او بود که مفت و بی‌حساب می‌گفت بازرگان، بختیار را از ایران بیرون برده مانع محاکمه هویدا شد. علیه امام پافشاری بر عنوان جمهوری دموکراتیک کرده در حالی که تحقق «جمهوری اسلامی دموکراتیک» به عنوان هدف در اساسنامه شورای انقلاب (مصوب رهبر فقید انقلاب در پاریس) آمده بود و مرحوم دکتر بهشتی اصرار خاص در این باب داشت.

مندرجات آن ناسزا نامه بیشتر تکرار اباطیل کهنه و جوسازیهای کینه توزانه است که فاقد ارزش و اعتبار بوده کمتر کسی آنها را باور می‌کند. اصولاً به حکم اینکه گفته‌اند البینه علی المدعی، وظیفه ما نیست که به رد اتهامات بی‌منطق و بی‌مدرک وی پرداخته اثبات حقانیت یا برائت برای خودمان بکنیم.

این شخص بعد از سفر آقای مهندس بازرگان به الجزایر در سال ۱۳۵۸ و ملاقاتی که به صورت رسمی و علنی به اتفاق آقایان دکتر یزدی وزیر امور خارجه و شهید دکتر چمران وزیر دفاع با آقای برژنسیکی وزیر مشاور دولت آمریکا به درخواست او و در محل اقامت آقای مهندس بازرگان داشتند و گزارش آن را به شورای انقلاب دادند از پیش خود اظهار می‌داشت اینها با برژنسیکی زد و بند کرده، سلاحهای جنگی و اسرار ما را به آمریکا داده‌اند..... حال اگر چنین نیست و راست می‌گویند نوار مذاکراتشان را بیاورند.

در هر حال ما برای آگاهی و قضاوت کلی خوانندگان آن روزنامه و ضمن تکذیب اتهامات مربوط به

ذکر چند شاهد مثال می‌پردازیم:

۱- معلوم نیست به چه دلیل و با کدام حق، در پایان صفحه خاطرات به خود اجازه داده است وارد در دین و احوال اشخاص شده، تکفیر و تائید کند. جبهه ملی را تلویحاً بی‌دین و نهضت آزادی را ظاهرساز در فرائض و بی‌اعتنا به امر به معروف و نهی از منکر و حجاب و ربا قلمداد کند؟ آیا اسلامی راستین و قرآن مبین که صریحاً به رسول اکرم گفته است « و

در جای دیگر مسلمانان را منع می‌نمایند کسی را که سلام به آنها می‌کند کافر بدانند؟

حکم کفر و فسق از ناحیه یک مدعی روحانیت و متشروع درباره امثال آیت‌الله طالقانی، دکتر سبحانی و مهندس بازرگان، کسانی که زنده کنندگان ایمان و اخلاص در نسل جوان و درس خوانده ایران بوده، حرکت دینی - اجتماعی را در متدینین و حتی پیشگامان مبارزاتی روحانیت به وجود آوردند و رهبر انقلاب فرمان نخست‌وزیری را با علم و اطمینان به مراتب ایمان و سوابق مبارزات ملی و اسلامی ایشان صادر کرده است. کیست که نداند هزاران دانشجوی ایرانی مسلمان که قبل از انقلاب برای تحصیل به آمریکا و خارج رفتند، حفظ اصالت هویت دینی و ایرانی خود را مدیون زحمات شبانه‌روزی دکتر یزدی، و سایر اعضای برجسته نهضت در خارج از کشور می‌باشند.

این آقا فکر نمی‌کند که وقتی مهندس بازرگان و دکتر سبحانی و دکتر یزدی را ضد انقلاب می‌نامد ایراد و اشکال را در مرحله اول به شخص رهبر فقید انقلاب و پایه‌گذار جمهوری اسلامی وارد می‌سازد که از آنها دعوت و تقویت نموده است و با وارد کردن چنین تهمت و تشخیص اعلام عدم صلاحیت یا صداقت از معظم له می‌نماید.

نسبت خیانت دادن یا همفکری و همکاری داشتن با آمریکا به آقای دکتر یزدی که در مبارزات علیه شاه در آمریکا از آقای خمینی و کالت دریافت وجوهات شرعی را داشته‌اند و در تمام دوران تبعید و سفر به کویت و پاریس تا مراجعت به ایران مشاور و مصاحب و مترجم ایشان در ملاقاتها و مذاکرات سیاسی ایشان بوده و به عنوان اولین عضو شورای انقلاب انتخاب شده و پس از استعفای دولت موقت باز به

1- اسراء - ۱۷- کافی است که خداوندگار تو به گناهان بندگان آگاه و بینا باشد.

2- نساء - ۹۴-

شورای انقلاب و انجام ماموریت‌های مختلف برگشت، چطور ممکن است سلب صلاحیت عمدی از امام و زیر سؤال بردن انقلاب و نظام نباشد؟

باز هم چطور ممکن است نهضت آزادی بی‌اعتنا به امر به معروف و نهی از منکر باشد در حالی که در هشدارها و نامه‌ها و انتقادهای نهضت علیه جنگ تعرضی و مدیریت و سیاست‌های نابجای حاکمیت و علیرغم خطرات مسلم قصدی جز ادای فریضه امر به معروف و نهی از منکر یا دلالت و نصیحت رهبری و والیان امور نداشته است.

این نکته نیز ناگفته نماند که امر به معروف و نهی از منکر که قرآن و سنت توجیه کرده‌اند و در فصل هشتم قانون اساسی هم آمده است، بیشتر ناظر به روابط و رفتارهای اجتماع و انتقاد و اعتراض به اعمال خلاف حاکمان می‌باشد، کما آنکه فرموده‌اند اگر فریضه امر به معروف و نهی از منکر در میان امت ترک شود، خداوند اشرارشان را بر آنها مسلط می‌سازد.

۲- در جمله‌های دیگر ناسزا نامه آمده است که «امیر انتظام وضع مشابهی با سرتیپ طاهری فرمانده سابق نیروی دریائی و جاسوس زندانی فعلی داشته است. او و دکتر یزدی به انقلاب اسلامی عقیده نداشتند بلکه می‌خواستند جای شاه را بگیرند و با حمایت آمریکا بتوانند مملکت را اداره کنند آنها برای نجات ایران از بحران، بهترین پناه و اتکاء را آمریکا می‌دانستند و حالا هم از این تز خود دست بر نداشته‌اند.» پرت و پلاگوئی‌هایی که داستان حسن و حسین سه دختران معاویه را به یاد می‌آورد.

۳- چه دروغ‌پردازیها و حرفهای بی‌محتوا راجع به پخش اسلحه در میان کردها، قصد فرستادن قاسملو به مجلس خبرگان، کشتار برادران ارتشی و پاسداران، سرو سیر داشتن با مقامات کومله و بعضی‌ها، و طرفداریهای علنی از آنها..... یا حواله کردن ارزی حقوقهای عقب‌افتاده اشرف و طاغوتیان به خارج به دستور رئیس شرکت ملی نفت، اخراج افراد انقلابی و ملی و اسلامی از شرکت و نگاه‌داشتن طاغوتیها و ساواکیها و حقوق بگیران درجه یک فراماسون، استاندار کمونیست و سفیر ایران در پاریس کردن یک طاغوتی، دادستان بی‌دادگاه شاه در محاکمه فدائیان اسلام و بالاخره سازش محرمانه بازرگان با شاه برای ماندن او در ایران جل الخالق! کیست که ندانسته باشد نهضت آزادی ایران بود که برای اولین بار در بحبوحه تسلط شاه و ساواک و در داخل کشور در یک اعلامیه امضادار ندای «شاه باید

برود» را سرداد و مهندس بازرگان در یک مصاحبه پنهانی انجام شده در خانه آقای نزیه با تلویزیون بلژیک جمله معروف «در ایران تا شاه هست آزادی نیست» را در سراسر اروپا و آمریکا به صدا درآورد که بسیار موثر واقع شد و مورد تقدیر رهبر فقید انقلاب قرار گرفت.

۴- جهل و افتراء به این حد متوقف نشده تحویل اسرار مملکت به ضد انقلابها و آمریکائیهها را اضافه می‌نماید. همچنین فرا راندن بیش از ۲۰۰۰۰ (!) مستشار نظامی آمریکا از فرودگاه و عدم تفتیش اثاثه آنها به صورت عمدی و....

مستشاران نظامی آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اولاً به این اندازه نبودند و ثانیاً در روابط آن روز ایران با آمریکا نه زندانی به شمار می‌رفتند و نه گروگان که مانع خروج آنها از ایران بشویم. بلکه بالعکس مقام رهبری و شورای انقلاب و دولت موقت علاقه داشتند ادامه خدمت و اقامت آنها، جز معدودی آموزش‌دهندگان و تحویل دهندگان سلاحهای پیچیده سفارشی و خریداری شده از زمان شاه، خاتمه یافته و هرچه زودتر با هزینه و هواپیماهای خودشان برگردند. ثالثاً کلیه لوازم و صندوقهای بسته‌بندی شده آنان در فرودگاه مهرآباد توسط کمیسیون ویژه دولت موقت باز، بازرسی و اشیاء متعلق به ایران یا مشکوک جمع‌آوری شده است. یکصد و پنجاه برگ اسناد این امر به دادگاه امیر انتظام تحویل داده شد.

۵- شهادت دادن شجاعانه در دادگاه انقلاب به نفع یک متهم مظلوم شرافتمند خدمتگزار به مصداق آیه شریفه^۱ و گفتن اینکه اعمال انتسابی به او چون با اطلاع یا به دستور دولت بوده است جاسوسی حساب نمی‌شود و اگر جرم باشد باید ما را محاکمه کنید، به نظر مفتری جوسازی و سند خیانت محسوب شده است و نام مذاکرات یک سفیر رسمی دولت با دیپلماتهای خارجی را ملاقات پنهانی و بیگانه‌پرستی قلمداد کرده است...

نهضت آزادی ایران

مرداد ماه ۱۳۷۱

۱- بقره ۲۸۴- کتمان شهادت نکنید و هر کس چنین کند قلب او گناهکار است.